

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۵ جولای ۲۰۲۱

تفاوت بین "بازی سیاسی" و "حمایت سیاسی"!

شنبه- ۰۲ اسد ۱۴۰۰ - کابل: احتمالاً شما هم خبر دیدار "حمد الله محب" و "سعادت منصورنادری" را با "نواز شریف" یکی از دشمنان آشتی ناپذیر افغانستان و فردی که از جمله بزرگترین افتخارات زمان حاکمیتش بر پاکستان، متلاشی ساختن اردوی ۱۰۰ نفری افغانستان را خود بار ها اعلام نموده است، خوانده و یا شنیده اید.

این دیدار که گویا باعث جنگ در رسانه های مجازی بین مقامات پاکستان و مشاوران "غنی احمدزی" نیز شده است، از آنجائی که دیدار به مثابه تیر دولت افغانستان بر چشم اسفندیار پاکستان می خواهد معرفی شود، لازم دانستم در یادداشت امروز مکث کوتاهی در زمینه بنمایم:

۱- تا جائی که از مطالعه اوراق تاریخ بر می آید، استفاده ابزاری از مخالفان حاکمیت ها در دو طرف مرز به خصوص از زمان تولد نامیمون نطفه حرام پاکستان، بین حاکمیت های افغانستان و همسایه های جنوبی ما چه قبل از معاهده ننگین دیورند و چه بعد از آن وجود داشته است. هرگاه از استفاده ابزاری متقابل در قرن ۱۹ و اوایل قرن بیست بگذریم و مبدأ حرکت مان را از پیدایش پاکستان به بعد تمرکز دهیم، دیده می شود که از آن زمان الی دوران جمهوریت "داوود خان" و فرار وطن فروشان اخوانی به پاکستان، دولت افغانستان در استفاده ابزاری از اتباع مخالف دولت پاکستان علیه حاکمیت آنجا، تقریباً همیشه دست بالا داشته است. این معادله که با کودتای ۲۶ سرطان و عواقب آن، تا حدودی در یک توازن نسبی که باز هم میلان به هم خوردن توازن به نفع حاکمیت افغانستان پیش بینی می شد، با کودتای خونبار نوکران روس در ۷ ثور ۱۳۵۷ و به تعقیب آن تجاوز رهنزانه و خونین سوسیال امپریالیسم شوروی بر افغانستان، مطلقاً به هم خورده، در حالی که سلاح مورد استفاده دولت دست نشانده روس به چند "خان دوسره" و در نهایت "پسر بوتهو" محدود ماند، طرف پاکستان با بسیج، سازماندهی و تسلیح وطن فروشان اخوانی در هر قد و قامتی، چنان اردوی عظیمی از نوکرانش را در افغانستان متشکل ساخت که تا آنزمان تاریخ نمونه ای چنان ندیده بود.

از آنزمان تا امروز، هر چند حاکمیت های افغانستان گاهگاهی تلاش ورزیده اند تا در مبارزه علیه پاکستان و ابزار اعزامی شان به افغانستان به خصوص طالب و یا داعش و یا هم نام دیگری، افراد، نهاد ها و جریانهای مختلف را از پاکستان به نفع خود کشانده و از آنها به مانند طرف مقابل که از سیل طالب و جواسیس رنگارنگش علیه حاکمیت افغانستان استفاده می نماید به کار گیرد، مگر توفیق چشمگیر و چندانی نداشته است.

۲- دیدار "حمد الله محب" - بخوانید فعلاً و ظاهراً چشم و گوش "غنی احمدزی" - با "نواز شریف" علی رغم دشمنی آشکاری که در زمان حاکمیتش با افغانستان و مردم آن نموده است، در کل می تواند روی دو انگیزه صورت گرفته باشد:

الف- انتقال پیام حمایت "غنی احمدزی" و حامی آن "مودی" از شخص "نواز شریف" در مبارزاتی که علیه حاکمیت فعلی پاکستان ممکن در نظر داشته باشد و بدین سان سعی در استفاده ابزاری از فردی مانند "نواز شریف" که چندین نمره و درجه نسبت به "محب و غنی احمدزی" سنگین وزن تر می باشد در مبارزه علیه سیاست های "عمران خان" و ارتش پاکستان.

ب - از آنجائی که گردن "محب" و "نواز شریف" هر دو به رسن "ام. آی. ۶" انگلیس بسته است، هیچ بعید نیست که تمام این دید و بازدید ها که در ظاهر جهت استفاده ابزاری از "نواز شریف" علیه "عمران خان" به نظر می خورد بسیار آگاهانه از جانب انگلیسها سازمانی شده باشد تا نقطه پایان بر حاکمیت و حیات سیاسی "غنی احمدزی" را به وسیله "محب" بگذارند.

۳- هرگاه فرض مان را بر آن قرار دهیم که هیچ ریگی در کفش "محب" و انگلیس وجود ندارد- فرض محال- و "محب" صادقانه تلاش می ورزد تا از "نواز شریف" استفاده ابزاری به نفع تحکیم حاکمیت افغانستان و تضعیف حاکمیت پاکستان نماید، می باید چند نکته را از نظر دور نداشت:

الف- همان طوری که قبل تذکر دادم "نواز شریف" چه در قدرت باشد و چه هم فردی تبعیدی، چندین نمره نسبت به "غنی احمدزی" و "محب" سنگین وزن تر بوده، هیچ گاهی و در تحت هیچ شرایطی حاضر نیست پشتوانه داخلی حزبی و حمایت اخوان بین المللی و تعدادی از کشور های عربی و چین را گذاشته و به جای آن که عملکردش را با آنها و سیاست های آنها هماهنگ بسازد، به بازیچه دست و ابزار رقابت "غنی احمدزی" مبدل شود.

ب- هرگاه آفتاب از مغرب طلوع کند و به اصطلاح دنیا سرچپه شود و "نواز شریف" حاضر شود در این "بازی سیاسی" نقش و وظیفه "ابزاری" به خود گیرد و حتا به ساز "غنی احمدزی"، رقص هم نماید می باید این نکته را به خاطر داشته باشیم که وی "پاکستانی" تر از آن است که برای همیشه به کشورش خیانت نماید.

به عبارت رساتر، "نواز شریف" نه "خلیلزاد" است نه "گلبدین و یا ربانی"، نه "کرزی" است و نه هم "غنی احمدزی" و یا محب و یا عبدالله و ... " که برای همیشه طوق بردگی حاکمیت نوکرانی از قماش "غنی احمدزی" را زیب گردنش نماید. یعنی فردائی که "عمران خان" گورش را گم کند و "نواز شریف" مجدداً به قدرت رسد، به نمایندگی از اشتهای سیری ناپذیر سرمایه پنجاب، باز هم بر افغانستان تاخته، انتقام روز های نوکری اش را نیز خواهد گرفت.

هموطنان گرامی!

تلاش کنونی باند ارگ جهت جذب مخالفان حاکمیت فعلی پاکستان، تلاش احمقانه ایست که فردی بخواهد جهت تر نشدن از ریزش باران، به داخل حوض شیرجه برود. یا به عبارت دیگر از ترس تب، به مرگ پناه ببرد. چیزی که در سیاست بدان حماقت سیاسی گویند.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشاندۀ می باشد!

سرکها ما را می طلبند!